

شما خائنین ایرانی نیستید!!!

یاسر عزیزی

۲۶/۵/۲۰۰۶ - ۵/۳/۸۵

در روزها و ماههای اخیر گروهی آنارشیست مذهبی تحت عنوان گروهک « جندالله» با رویکردی وحشیانه و سنگدلانه اقدام به راهبندی و قتل و کشتار گروهی از هموطنان ما نموده اند و متأسفانه این اقدامات کثیف و خونبار مورد حمایت و تائید گروهی از فرصت طلبان ایرانی نما در آنسوی مرزها نیز قرار گرفته است. در باب دلایل و عوامل شکل گیری این رویکرد و چنین گروهی گزاره های بسیاری مطرح می شود. یکی از قوی ترین این گزاره ها و استدلال ها اشاره به ظلم و بی عدالتی قومی، مذهبی و بطور کلی نقض عینی حقوق شهروندی و انسانی در حکومت موجود مذهبی ایران است.

باری باور مقبولیست که هر جا اعتراضی و عصبانی در هر شکلی بروز می کند، بیانگر نوعی تبعیض و حق کشیست؛ اما آیا رویکرد گروهک "جندالله" مشمول این عصبان طبیعی می شود؟

در نگرشی واقع بینانه و منطقی به رفتار این گروهک می توان رگه هایی از رفتارهای جنایتکارانه طالبان را در آنان مشاهده کرد. در حالی که فصل طالبان در تاریخ معاصر جهان همچنان در پرده ای از ابهام قرار دارد اما بازتاب عمومی واقعیات اینچنینی نشان دهنده نقش کشورهای سرمایه داری و بخصوص آمریکا در ایجاد و بروز این مصائب جانکاه است. چنین رویکردهایی ضمن برهم زدن امنیت و تمرکز کشورهای عقب مانده، موجب بدنام شدن و تبلیغ منفی علیه مذهب و دینی است که چنین گروههایی بنام آن دین رفتارهای خود را بروز می دهند. به هر حال همه این گروهها با ذکر "الله اکبر" قربانیان خود را در پای دنانند خود ذبح می کنند و اگر چه نگارنده این سطور همواره با صراحت غیره مذهبی بودن خود را بیان کرده است ولی در عین حال با چنین رفتارهایی که در صدد ضربه زدن به یک مکتب از طریق شیوه های غیره انسانی بوده است مخالف بوده ام.

نوع رفتارهای این گروه اساساً غیره انسانی و غیره منطقی ست. به هر حال قتل و کشتار انسانها عملی جنایتکارانه و غیره انسانی بوده است خاصه سربریدن انسان. ویژگی پلیدی که در میان گروه طالبان، زرقاوی، و اخیراً جندالله به اشتراک گذارده شده است. مجموعه ویژگیهای این گروه غیره ایرانی و مزدور که با ادعای توسعه توحش خود در تمام ایران نوعی تردید و وحشت عمومی را همزمان با جنگ های روانی غرب علیه تمامیت ارضی ایران برانگیخته است ما را بر آن می دارد تا ضمن غیره ایرانی و نامشروع خواندن این تحرکات، قویاً آن را محکوم کرده و باب سخن صریح خود را با سگان بدسگالی باز کنیم که بنام گروههای اپوزیسیون و مخالف حکومت اسلامی، عملاً آستان بوسی اربابان آمریکایی خود را نماز می کنند و بر جسم بیمار ایران و زخم خونین سرزمینمان اسید ردالت خود را می پاشند. (۱) گروه هایی که یادمان نمی رود چگونه به استقبال حمله نظامی ایالات متحده به ایران شدند و بارزترین اظهار نظر یکی از بسیار هنرمندان. !!! این گروهها در زمینه حمله و تبعات انسانی آن دل هر ایرانی و هر انسانی را به درد می آورد. (۲)

نگارنده این سطور به نمایندگی از فعالان اپوزیسیون داخلی ایران که اگر مدعایی بر حقوق بشر دارند بر مدار انسانگرایی بوده است و نه منفعت گرایی کثیف غیره انسانی برانند و انزجار خود را از همه گروههای وابسته ای که بنام ملت و اپوزیسیون ایران آب به آسیاب دشمن بیگانه می ریزند و در حالی که به زندان کشیدن یک روشنفکر را - که تیریست بر قلب هر ایرانی آزاده ای- بعنوان اقدامی غیره انسانی و خلاف حقوق بشر در بوق و کرنا می کنند، اما اقداماتی حیوانی از نوع گروهک جندالله را برآمده از اندوهان ملت می دانند اعلام می داریم و قاطعانه اعلام می کنیم که ملت و اپوزیسیون فعال ایرانی، چنین جماعتی را نه تنها همراه خود نمی بیند بلکه آنان را در برابر منافع کلان ملی نیز بشمار می آورد.

پر واضح است که گروههایی اینچنین با رفتارهایی از این دست (۳) تنها بدنبال کسب سود بیشتر و موجب پرتی از قیل ابراهای عوامفریبانه و بیگانه با آرمان ها و دغدغه های ملت ایران می باشند. اگرچه افراد و گروههایی که در خارج از مرزها در صدد تعامل مفید و سازنده با گروههای و فعالین سیاسی داخل کشور برپایه درک صحیح از واقعیات و حفظ منافع ملی می باشند، کم نیستند اما وجود گروههای مزدوری مانند فعالین در رادیو صدای ایران نیز بی جمعیت و تعداد نیستند.

در پایان انتظار می رود آنانکه در دل مهر ایران و در سر فکر آزادی دارند در عقیم کردن اقداماتی که ایران را به سرنوشت افغانستان سالهای اخیر دچار کند و ایران را ایرانستان نماید، کمک کنند.

۱- برای نمونه می توانید فایل صوتی زیر را باز کنید که حاوی مصاحبه رادیو " صدای ایران!!!!" با سرکرده گروه جندالله است. و در آن بارها از حمایت عمومی مردم ایران از چنین وحشی گریهایی و از زبان کسی سخن می رود که مشخصاً وابسته به یکی از مدعیان آترناتیوی حکومت اسلامیست.

<http://wma.220506-Rigi/media/com.iranpressnews.www/>

۲- اشاره به جمله مشهور و تاسف بار « پرویز صیاد» که گفته بود: " سالانه بیست و چند هزار نفر از ایرانیان در نصادفات جان می دهند کسی هم خبردار نمی شود ، حالا جنگ شد و همین تعداد هم کشته شدند ، به قیمت آزادی ایران می ارزد ." (نقل به مضمون)

۳- برای درک نمونه دیگری از بی مناسبت بودن این گروهها با واقعیات جاری ایران متن نامه زیر را بخوانید:

نامه سرگشاده به نمایندگان پارلمان اروپا

۲۵/۵/۲۰۰۶

نمایندگان محترم پارلمان اروپا!

آگاه شده ایم که برخی از نمایندگان پارلمان اروپا، از جمله، حلقهء یاران و همکاران آقای کریستوفر هیتون هاریس و آقای دانیل گُن- بندیت تلاش می کنند که کشورهای اروپایی با توسل به اقدام های مشخص، مانع شرکت ایران در بازی های فوتبال جام جهانی شوند. ما، در جایگاه ایرانیان تبعیدی، همبستگی خود را با شما اعلام می کنیم و از تمام نیروهای آزادیخواه و انساندوست اروپایی می خواهیم که تا رسیدن به این هدف از پای ننشینند. پیش از این ما در ژانویه سال جاری، نامه ای سرگشاده به آقای یوزف س. بلاتر فرستاده بودیم و از ایشان خواسته بودیم که از شرکت ایران در بازی های جهانی جلوگیری کند. در آن نامه اشاره کردیم که رژیم کنونی ایران با مواضع یهود ستیزانه و ضد اسرائیلی خود، صلح و امنیت جهان و بویژه منطقه خاور میانه را به خطر انداخته است. حکومت ایران با تمام امکاناتی که در اختیار دارد، در پی آن است که اسرائیل، عضو فدراسیون جهانی فوتبال را از نقشهء جغرافیای زمین حذف کند.

یکی از بند های اساسنامهء فیفا، احترام به حق و حقوق هموندان فدراسیون است. پرسش این است که با توجه به این بند، چگونه می توان رژیم را در جمع اعضای فیفا تحمل کرد که آشکارا خواهان نابودی اسرائیل و یا در پی اسکان اجباری ملت باستانی یهود در سرزمین های دیگر است؟

با این که فدراسیون جهانی فوتبال، امر جدایی سیاست از ورزش را امری ضروری می داند، با این وجود، بسیاری از رژیم های استبدادی از ورزش و ورزشکار برای اهداف سیاسی و ضد مردمی خود سوء استفاده می کنند: در همین راستاست که فدراسیون، رژیم حاکم بر یوگسلاوی سابق را از بازیهای فوتبال جام قهرمانی اروپا در سال ۱۹۹۲ محروم کرد؛ رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی تا برچیدن نظام آپارتاید، حق هموندی فیفا را نداشت؛ و فراموش نباید کرد که بازیهای جهانی فوتبال به دلیل رژیم فاشیستی حاکم بر آلمان و جنگ جهانی دوم، از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۵۰ برگزار نگردید.

حق شرکت در بازیهای جهانی فوتبال، از سویی نتیجهء تلاش های ممتد بازیکنان ایرانی و از دیگر سو، برآیند پشتیبانی و تشویق مردم و جوانان ایرانی ست. با وجود علاقه و گرایش در حال رشد دختران و زنان به فوتبال، رژیم حتا از ورود آنان به استادیوم های ورزشی نیز جلوگیری می کند. با این حال بسیاری از دلالتان و واسطه های ورزشی و فرهنگی، از طریق تبلیغ در مطبوعات و رسانه های اینترنتی تلاش می کنند که تحریکات رئیس جمهور ایران را در پیوند با نابودی اسرائیل، خنثی کرده و کوشش این رژیم را برای دستیابی به تسلیحات اتمی، در پرده نگاه دارند.

جنابعالی اعلام کرده اید که مخالف تحریم ایران برای شرکت در بازیهای جهانی هستید؛ چرا که سیاست را جدا از ورزش می دانید. با تکیه و پایبندی به این امر، یادآور می شویم که رژیم اسلامی ایران، مانند هر رژیم استبدادی و فاشیستی دیگر، هیچگاه به جدایی سیاست از ورزش باور نداشته است. چنانچه شنیده می شود، حکومت دینی ایران بر آن است که در راستای سیاست همیشگی خود، یعنی سوء استفاده و استفادهء ابزاری از ورزش و ورزشکار، تیم ملی فوتبال را برای به اصطلاح " ملی " جلوه دادن برنامه های اتمی خود، به یکی از پایگاه های اتمی کشور برده و از آنان بهره برداری تبلیغاتی کند.

باور ما بر این است که مسابقات جهانی و بویژه بازی های فوتبال جام جهانی، در کنار نمایش مسالمت آمیز رقابت تیم های کشورهای گوناگون، در خدمت همبستگی ملت ها بوده و از این راه به صلح و مدارای جهانی یاری می رساند.

جامعه جهانی شاهد است که حکومت ایران در طول حیات خود، مانع نزدیکی ملت ها به یکدیگر بوده و در آنجا که توانسته است تخم دشمنی و نفرت کاشته است.

نمایندگان محترم پارلمان اروپا!

رژیم حاکم بر ایران، رژیم ست دینی _ فاشیستی و تنها در برابر اقدام های قاطع و مشترک همگانی مجبور خواهد شد که از مواضع ضد بشری خود عقب نشینی کرده و به قوانین و عرف بین المللی تمکین کند. تجربه نشان داده است که نرمش و ملایمت در برابر آخوندهای حاکم، همیشه همراه با فاجعه بوده است.

بنابراین، ما در این لحظه های حساس از شما نمایندگان پارلمان اروپا می خواهیم که از حرکت تنی چند از همکاران خود مبنی بر تحریم ایران از شرکت در بازی های جام جهانی ۲۰۰۶، پشتیبانی کنید. در این اقدام بسیاری از ایرانیان و دیگر مردم صلح دوست جهان در کنار شما خواهند بود.

خواهشمندیم نظر و پاسخ خود را در اختیار دفتر مطبوعاتی ما، به آدرس زیر قرار دهید:

info@cief-berlin.de

Filmemach Club Iranisch Europäischer

با احترام و امید برگزاری هر چه با شکوه تر بازی های جام جهانی فوتبال.

داریوش شکوف (کارگردان و سناریو نویس)

آرمان نجم (فیلم ساز و دراماتورگ)

جواد اسدیان (شاعر و نویسنده)

با پشتیبانی:

نیلوفر بیضایی (کارگردان و نویسنده تئاتر)

دکتر کامبیز روستا (فعال سیاسی)

دکتر مهدی روسفید (فعال حقوق بشر)